گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۹۷۸۸
دوشنبه ۱ خرداد ۱۴۰۲ ۱۹:۲۹

محمد ناصری راد پای صحبت های عوامل و دست اندرکاران فیلم سینمایی آفتاب گرگ و میش نشست

در این خبر محمد ناصری راد، پایِ صحبت های برخی ازعوامل و دست اندرکاران فیلم بلند "آفتاب گرگ و میش" نشسته و گپ و گفتی درباره ی فرایند ساخت فیلم با ایشان داشت.

به گزارش خبرنگاران بخش فرهنگ هنر و رسانه گزارش خبر، در این خبر محمد ناصری راد پایِ صحبت های برخی ازعوامل و دست اندرکاران فیلم بلند "آفتاب گرگ و میش" نشسته و گپ و گفتی درباره ی فرایند ساخت فیلم با ایشان داشت.
در ابتدا تهیه کننده و کارگردان فیلم آفتاب گرگ و میش آقای "محسن دانشور بیری" چنین گفت:
شکل گیری ایده برای تولید یک اثر هنری میتواند متاثر از تحقیق و تفحص در حافظه(خاطره) ، تخیل و یا تحقیق در امرِ واقع باشد و این مسئله ای است که سینماگران دنیا بر آن اتفاق نظر دارند. حال مورد سوم چون از تجربه زیستن حاصل می شود می تواند جهان مانوس با نگاه فیلمساز را به خوبی شکل دهد و آنگونه که تصویر ذهنی فیلمساز از "امر واقع بوده" را به خوبی روایت کند.
اتفاقات روزمره ای که در زندگی حادث می شوند میتوانند سرمنشایی باشند برای شکل گیری یک داستان.به این بیان که موقعیت ها و اتفاقات زندگی که دست مایه ی شکل گیری ایده یک داستان هستند به دور از واقع نمایی و با ایجاد بار ارزشی گرایش به واقعیت داشته باشند این جا است که می توان از آن، تجربه ی فراگیری کسب کرد و به تبع با بیان هنری آن تجربه فراگیر، خلق معنا ایجاد کرد و این رسالتی است که فیلمساز به آن تعهد دارد.

دانشور ادامه داد: آفتاب گرگ و میش را می توان متاثر از این جریان قلمداد کرد. الگویی برگرفته شده از زندگی، که نمونه های مشابه آن در جامعه به وفور یافت می شود. انسان هایی که برای برطرف کردن ساده ترین نیازهای زندگیشان دچار چالش هستند اما تلاش می کنند شریف زندگی کنند تا به هر بهانه و ابزاری اسیر آسیب و بزهکاری نشوند.
دانشور افزود: فیلم تلاش دارد موضوع و چالش اجتماعی روز باشد و به دور از کلیشه های رایج، نگاه متفاوتی به مشکلات زندگی شهری داشته باشد و جهانی که از فیلم خلق می شود جهانی باشد عاری از شعار زدگی، دروغ و همه موقعیت ها برخاسته از دل جامعه باشد و واقعیات محض زندگی شهری تصویر شود.
آفتاب گرگ و میش جزء آن دست از آثار مستقلی است که با هزینه ی بسیار پایین و همراهی یک تیم همدل ساخته شده است.
فیلم جایگاه کنونی اش را مرهون همدلی و هم افزایی تیمی می داند که نگاه مادی و حسابگرانه به کار نداشتند و این برکتی بود که عوامل و بازیگران عزیزِ "آفتاب گرگ و میش" به کار وارد کردند و ازین بابت دست تک تک عوامل و بازیگران زحمت کش کار را به گرمی می فشارم.
دانشور در پایان چنین گفت: در اینجا جا دارد تقدیر و تشکر ویژه ای کنم از زنده یاد ایرج جمشیدپور (حامی معنوی فیلم) که تا آخرین روزهایی که در قید حیات بودند از حمایت بی دریغشان نسبت به فیلم دست نکشیدند و از همین جا به روح بلندشون درود می فرستم.
در ادامه محمدحسین فلاح زاده فیلمساز و فعال رسانه عکاس فیلم "آفتاب گرگ و میش" بیان کرد:
در پیش تولید و تولید فیلم بلند افتاب گرگ و میش همکاری مختصری با تهیه کننده و کارگردان کار جناب دانشور داشتم، زمانی که تولید این فیلم اغاز شد مشکلات زیادی پیش روی فیلمساز وجود داشت،اما توانایی وخود باوری کارگردان و عوامل آفتاب گرگ و میش باعث شد تا کار با تمام چالش هایی که به همراه داشت به سرانجام برسد و به موفقیت در این مسیر پر فراز و نشیب دست یابد.
فلاح زاده ادامه داد: شخصا معتقدم که شهرستان ها برای تولیدات سینمایی کوتاه و بلند اعم از فیلم (داستانی،مستند) و حتی انیمیشن دارای پتانسیل بیشتری نسبت به پایتخت هستند و این مهم با اختصاص دادن بودجه و گاهی وارد کردن تجهیزات سینمایی برای تولیدات در این شهرستانها اتفاق می افتد.
کما اینکه در مورد بازیگرانی هم که به هر دلیل قادر به مهاجرت به پایتخت نیستند باید سامانه ای جهت درج کامل مشخصات و رزومه ایشان ایجاد شود تا وقتی کارگردان قرار است برای پروژه خود بازیگرانی را انتخاب کند اول اینکه از ظرفیت بازیگران شهر خود استفاده کند و دوم زمانی که کارگردان قصد دارد برای پروژه خود بازیگر انتخاب کند چالش کمتری برای انتخاب بازیگر خود دارد و از طرفی خود بازیگر هم به شکل بهتری به پروژه دعوت خواهد شد.
مجتبی عزت حقیقی صدابردار پروژه آفتاب گرگ و میش چنین گفت:
در آن زمان وقتم آزاد بود سرپروژه ای نبودم ، سر مبلغ مالی توافق شد تصمیم به همکاری گرفتم، اصلا نمیدونم که کار چندم من بود ولی خب هر کار تجربه ی جدیدی به همراه دارد.
عزت حقیقی ادامه داد: گروهی از بچه های کاربلد، حرفه ای و بااخلاق و مهم تر از همه گروهی خلوت و بدون افراد اضافی و بی حاشیه که به داشتن تمرکز در کار کمک میکند.
پریسا درافشان بازیگر نقش لیلا دختر صاحب خانه گفت: متن را خواندم و نظرم جلب شد و کار رو قبول کردم و فکر کنم تجربه ی سی ام بنده در زندگی هنریم بوده اینکار به نظرم هر نقش یک تجربه ی زیستی متفاوت در فرد ایجاد میکند و زندگی کردن به جای کاراکتر خانم معلم مجرد و دانا و مراقب هم به تجربه ی زیستی من اضافه کرده و یک شخصیت جدید در فیلم "آفتاب گرگ و میش" خلق شدهدرافشان افزود: گروه به نظرم بسیار همدل و با پشتکار و البته با امکانات کم پیش رفت و برایم جالب بود که از دل این فضا به خاطر عشق به تجربه کردن و ساختن یک اثر خوب، تجربه ی جذاب و ماندگاری خلق شد.
مهم ترین حسن ساختن فیلم در شهرستان این است که هنرمندان فعال خواهند شد و مسیر پیشرفت فقط متمرکز در پایتخت نخواهد بود و البته عیبش این است که هر چقدر هم بازیگر ها در این فیلم ها بازی کنند ، مثل فیلم هایی که در پایتخت تولید میشود دیده نخواهند شد و در نهایت بعضی از فیلمسازها بنا به دلایل کمبود تهیه کننده و اسپانسر از نیروهای کمتر ماهر استفاده می‌کنند تا از پرداخت دستمزد به بازیگر و عوامل معاف باشند.

درافشان در پایان صحبت هایش گفت: امیدوارم در آینده بتوانم انتخاب های بیشتری برای کسب تجربه داشته باشم.
پیشنهاد من این است که مسئولین و سازمان های ذیربط که متولی امورات هنری و سینمایی هستند محدودیت های کمتری برای نشان دادن واقعیت زندگی انسان و ویژگی های فردی و اجتماعی او داشته باشند و بیشتر متمرکز بر حمایت و تشویق علاقه مندان در عرصه ی هنر باشند نه عامل بازدارنده.
قاسمعلی عابدی برنامه ریز آفتاب گرگ و میش گفت: قبلاً به عنوان دستیار کارگردان در سه تله فیلم و یک سریال کار کردم، خودم دو فیلم کوتاه و یک تله فیلم نویسندگی و کارگردانی کردم، بعنوان برنامه ریز قبلاً یه سریال کار کردم.در فیلم آفتاب گرگ و میش چون تعدادی از عوامل از دوستان قدیمی بودن و جو کار بسیار صمیمی و دوستانه بود، برنامه ریزی کار را قبول کردممتاسفانه بزرگترین معضل کار در شهرستانها عدم سرمایه گذار و عدم اعتماد تهیه کننده هاست.
معضل دیگر اینکه اکثر علاقه مندان هنر فیلمسازی جذب بازیگری میشوند و عوامل پشت صحنه حرفه‌ای نظیر منشی صحنه، مدیرتولید و.... نداریم یا انگشت شمار داریم.
عابدی در پایان گفت: در آینده امیدوارم بتوانم به ساخت فیلم کوتاه و بلند ادامه دهم .
هادی دهقان بازیگر نقش الیاس بیان کرد: محسن دانشور را از قبل میشناختم، بسیار پسر خلاق و با درک بالا از جامعه ایست که در آن زندگی میکند.
میدانستم که نقشی که به من پیشنهاد کرده حتما خیلی هیجان انگیز و عالی از کار در خواهد آمد و با خواندن فیلمنامه تصمیمم قطعی شد و با تهیه کننده وارد قرار داد شدم.
این بازیگر سینما و تلوزیون افزود: قبل از فیلم سینمایی آفتاب گرگ و میش چند سال به عنوان بازیگر با صدا و سیمای مرکز فارس همکاری میکردم و در کنار آن در چند تله فیلم هم به ایفای نقش پرداخته بودم اما این فیلم تجربه ای متفاوت در بازیگری برایم بود.
بودن در کنار تیمی هم دل و همفکر که با تمام وجود برای فیلمشان زحمت میکشیدند، تجربه خوبی بود. ویژگی های شخصیت الیاس برای من تازگی داشت که امیدوارم خوب از پس آن بر آمده باشم.
هادی دهقان ادامه داد: یک گروه همدل و هم فکر و با دانش خوبی که از فیلمسازی و جامعه شناسی داشتند کار قابل قبولی رو از نظر من تونستن به نمایش بگذارند.
ساختن فیلم تو شهرستان به خاطر دسترسی به لوکیشن های بکر و خاص خیلی خوبه در این فضا میتوان روایت هایی را به تصویر کشید که در مرکز امکان کمتری دارد از معایب اون هم به نبود سرمایه گذار و حمایت ضعیف دستگاه های فرهنگی میشه اشاره کرد.
دهقان در پایان گفت: برای آینده هیچ ایده ی خاصی ندارم ولی قصد دارم فیلمی که مد نظرم هست و در حال نوشتن فیلم نامه ی آن هستم را بسازم که فکر میکنم فیلم خوبی بشود، اما اگر پیشنهاد بازی هم داشته باشم حتما انجامش خواهم داد.
پیشنهادم به ارشاد و صدا و سیما حمایت از جوان های مستعدی مثل آقا محسن دانشور عزیز هست.
لیلا اشرفی تهیه کننده فیلم آفتاب گرگ و میش چنین گفت: لیلا اشرفی هستم عضو کوچکی از جامعه هنری استان فارس و یکی از تهیه کنندگانِ فیلم "آفتاب گرگ و میش"، وقتی دیدم جوانان و هنردوستان استان فارس مخصوصا شهر شیراز که البته همشهری های خودم هستند، با چه علاقه و پشتکاری، پیگیر فیلمسازی هستند، با استفاده و کسب تجربه از چندین فیلم کوتاه و بلند خود که قبلا ساخته بودم و با شناختی که از عوامل و گروه فیلمساز فیلم آفتاب گرگ و میش داشتم، تصمیم گرفتم در ساخت این اثر سهیم باشم.
موضوع خوب فیلمنامه، یکدلی اعضائ گروه، مستعد بودن عوامل و اطمینان از اینکه این فیلم حرف هایی برای گفتن دارد، من را بیشتر به همکاری با گروه ترقیب کرد در طول پروسه تولید فیلم متوجه شدم که گاهی اوقات با وجود برخی موانع و مشکلات، میتوان خلاف جریان آب حرکت کرد و فیلمی ساخت که نه تنها در سطح استان فارس، بلکه در سطح کشوری و بین المللی هم قابل ارائه باشد.
اشرفی افزود: ساخت فیلم در شهرستان معایب و محاسنی دارد که آشنایی با لوکیشن های مورد نیاز، شناخت بیشتر عوامل، معرفی چهره ها و هنرمندان توانا در عرصه های مختلف تولید یک اثر، به سینمای ایران را میتوان نام برد. در مقابل هستند کسانی که به دلیل نداشتن سرمایه کافی و عدم حمایتهای لازم از طرف مراجع ذیصلاح بدون فعالیت و گمنام مانده اند.
در صورتی که پتانسیل های زیادی در این افراد نهفته است که شاید هرگز فرصتی برای ارائه این توانایی ها برای آنها به وجود نیاید. در این میان انتظار می رود که ارگان هایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ویژه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس، سازمان سینمایی و سازمان صدا و سیمای استان فارس و کسانی که قدرت و موقعیت این را دارند که دست حمایت مادی و معنوی خود را بر سر زحمت کشان عرصه هنر بکشند، کمکهای خود را دریغ نکرده و تجارب گران بهای خود را در اختیار فیلمسازان قرار دهند تا انشالله روز به روز شاهد پیشرفت فرهنگ و آثار ساخته شده توسط هنرمندان و هنر دوستان کشور عزیزمان ایران باشیم.
اشرفی در پایان گفت: بنده امیدوارم در آینده ای نه چندان دور با حمایت های بیش از پیش مسئولین و دست اندرکاران عرصه هنر این مرز و بوم، بتوانم با استفاده از دارایی های هنری و مالی دوستداران فرهنگ سینما و تلویزیون، آثاری را تولید کنم که باعث افتخار این آب و خاک هنر پرور و هنردوستِ شیراز و ایران باشد.
جا دارد در این فرصت تشکری ویژه از کارگردان و تهیه کننده مشترک فیلم آفتاب گرگ و میش جناب آقای محسن دانشور بیری و سایر عوامل دلسوز و زحمتکش این اثر را داشته باشم. در پایان امیدوارم تمام هنرمندان و هنر دوستان نتیجه تلاش های مثبت و دلسوزانه خود را اول از خداوند متعال و دوم از مخاطبین آثار خود دریافت نمایند.
بهاره دری و پروانه دری طراحان پوستر آفتاب گرگ و میش، بیان داشتند:
نسبت به فیلم و عوامل فیلم احساس خوبی داشتیم، کار حرفه ای در زمینه طراحی گرافیکی زیاد انجام داده ایم و بیش از تجربه، از اینکه دوستان جدید توانمندی پیدا کرده ایم بسیار خرسندیم.
گروه منسجم منضبط و معتهدی بود و حسن کار در شهرستان به هویتِ فضایی و روحِ زندگی بیشتر در زمان حال هست، در آینده تصمیم به ساخت مستند به صورت انیمیشن داریم.
طاهره(ماه تی تی) شریفی بازیگر نقش راضیه، بیان نمود: دوستان و عوامل پشت صحنه رو سال‌های زیادی بود که می‌شناختم و نظاره گر تلاش های بی وقفه ی ایشان برای یک خروجی عالی بودم. من از ۱۵ سالگی روی صحنه تئاتر بودم اما کار تصویر چهارمین کارم بود که بعد از این کار دو پروژه دیگه هم کار کردم که خداروشکر کارها به نتایج مطلوبی رسیدند. تقریبا در پروژه های زیادی بعنوان منشی صحنه و دستیار همکاری کردم.
این بازیگر توانمند شیرازی افزود: هر بازیگری با ورود به یک پروژه جدید وارد دنیای جدیدی میشود و چون هر سری این من به منِ دیگری تبدیل میشود، بنظرم این زیباترین تجربه میتواند باشد.شریفی ادامه داد: میتوانم به جرات بگویم یکی از بهترین همکاری های من همکاری با گروه و عوامل این پروژه بود. چون بدون هیچ حمایتی و بودجه اندکی که به پروژه تزریق شده بود با همدلی و عشق بی وقفه برای به نتیجه رسوندن پروژه تلاش کردند و ای کاش اهالی هنر همگی دست به دست هم داده و به جای مسائل آزار دهنده ای که به وضوح این روزها در سینما دیده میشود برای

پیشرفت در کنار هم تلاش کنند.
ما استعدادهای کشف نشده زیادی در شهرستان ها داریم که به هر دلیلی شرایط رفتن به تهران و دیده شدن رو ندارند که صد البته با وجود مافیایی که در سینما متاسفانه به وجود آمده حضورشان در تهران قطعا پیشرفت و دیده شدنشان را به همراه نخواهد داشت. چه بسا که حمایت از هنرمندان در شهرستان ها خالی از لطف نخواهد بود. چون واقعا حمایتی صورت نمیگیرد و در نهایت به درجا زدن ختم میشود. مدتی میشود که تهران زندگی میکنم و سعی بر این دارم که انشاالله با صبوری و تلاش بتوانم به هدفم که پیشرفت در بازیگری هست دست پیدا کنم.
شریفی در پایان گفت: متاسفانه افراد بی تجربه و منفعت طلبِ زیادی، مدت هاست که شروع به ساخت فیلم های بی سر و ته با فریبِ علاقه مندان به سینما هستند و به همین خاطر ذهنیت بدی نسبت به دوستان هنرمند و بلد کار که نیاز به حمایت دارن ایجاد کرده اند. و این مسئله مخصوصا در شهرستان ها باعث میشود که هنرمندانی که لایق معرفی و دیده شدن هستند بیکار مانده و حتی هرگز به سینما معرفی نشوند. پس ما نیاز به برخورد با این افراد سودجو و حمایت از هنرمندان با استعدادی که به سختی و بصورت مستقل در تلاش برای رسیدن به اهدافشون هستند رو داریم. بنابراین تقاضای ما از ارشاد و صدا و سیما همکاری با هنرمندان و برخورد با این افراد سودجوست.
در ادامه مجتبی رنجبر ، نویسنده و بازیگر فیلم سینمایی «آفتاب گرگ و میش» ضمن عرض سلام بیان داشت: خوشحالم این فرصت دست داد تا چند کلامی در خدمت شما باشم. «آفتاب گرگ ومیش» اثری قابل تامل در متن و اجراست و این اتفاق مدیون تلاش و ممارست همه اعضای پروژه و به خصوص کارگردان فیلم می باشد. «آفتاب گرگ و میش» اقتباسی زنده از دل جامعه کنونی است. هر مخاطبی که پای این اثر بنشیند، یقینا قصه و شخصیت های فیلمنامه برایش ملموس و قابل درک است. در واقع در ابتدا باید قصه و داستان برای مولف قابل درک باشد و عاملی که باعث شد نگارش چنین متنی با همچین محتوایی رو انجام بدم معضل خشکسالی و مهاجرت روستاییان به شهر بود که اکثر مهاجرین در بافت های فرسوده و حاشیه شهر اسکان می گیرند، مهاجرینی که روزی بخش عظیمی از اقتصاد رو به دوش داشتند اما امروزه متاسفانه سربار شهرها شده اند.
رنجبر در ادامه افزود: امید بود که سازمان ها و ارگان های فرهنگی و نهادهایی که در ظاهر شعارشان مقابله با آسیب های اجتماعی است مارو در امر تولید حمایت کنند، اما نه تنها حمایتی صورت نگرفت حتی با نظرات نا امیدکننده ما را دلسرد می کردند از تولید فیلم «آفتاب گرگ و میش» که این اثر در جشنواره ملی فانوس به عنوان بهترین اثر بلند سینمایی برگزیده شد و همچنین در جشنواره بین المللی شهر تهران منتخب و به اکران رسید و در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ در جشنواره ملی میراث فرهنگی در شهر یزد در بخش سینمایی موفق به کسب دیپلم افتخار بهترین فیلم نامه جشنواره شد و در حال حاضر هم منتخب و تنها نماینده فارس در جشنواره بین المللی فیلم ایثار شده که شهر مشهد میزبان این رویداد مهم سینمایی است.
این اثر کاملا مستقل تولید شد و خود من از نزدیک شاهد سختی ها و مشکلات عدیده کار بودم و در واقع خون دل ها خورده شد تا این اثر تولید و به ثمر نشست و از همینجا از همه عوامل پروژه «آفتاب گرگ و میش» تشکر میکنم که جانانه و بدور از هر گونه حواشی تلاش کردند تا به بهترین شکل این اثر تولید شود و بهترین تجربه ای که برای من داشت این بود که با تلاش و کوشش هر ذهنیتی را می شود به عمل رساند. هر اتفاقی در ابتدا درون خودمان آبستن می شود و در وقت معین خودش به جهان بیرون ارائه می شود.
«بیرون ز تو نیست آنچه در عالم هست از خود بطلب هر آنچه خواهی که توئی»
این بازیگر شیرازی در پایان گفت: با عطر و طعم قصه آشنا بودم، روایتی مردانه داشت که در بازنویسی آن روایت کمی تلطیف تر شد، به طوری که پویایی قصه ملموس تر از قبل شده بود، قبل از اینکه در صحنه و اجرا به باور های شخصیت برسم در نگارش متن این اتفاق برایم افتاد و دلیلی شد تا در اجرا بتوانم با شخصیت هرمز سریعا ارتباط بگیرم و آن را بازی و یا در واقع زیست و زندگی کنم .
در پایان محمد ناصریراد نویسنده و فیلمبردار فیلم "آفتاب گرگ و میش" گفت:
دوست دارم این فرصت مصاحبه را غنیمت دانسته و از "تعهد" بگویم، تعهد با آگاهی زاده شده و در همه موارد و مسائل، صدق می‌کند و احساس وظیفه را به دنبال دارد، به قول شاعرِ معاصر احمد شاملو: انسان دشواری وظیفه است... این وظیفه از کجا می‌آید؟
از همان تعهدی که هرکدام از ما احساس می‌کنیم و آگاهیِ حتی محدودی که نسبت به آن داریم. بنابراین ارمغانِ آگاهی چیست؟
احساس مسئولیت، تعهد و وظیفه انسانی و اجتماعی. اگر بگویم این تعهد باید به خود هنرمند باشد یعنی هنرمند خودش احساس کند نسبت به آنچه که می‌گوید مسئول و متعهد است و باید نسبت به آن صداقت داشته باشد، بی راه نگفته ام. به نظر من اثری که صادقانه خلق می‌شود، چه آن اثر مورد تایید ما باشد چه نباشد، چه عده‌ای از آن خوششان بیاید چه عده‌ای از آن انتقاد کنند، حداقل بازتاب دهنده ذهنیت آن هنرمند است زیرا صادقانه خلق شده است.
ناصریراد ادامه داد: بنابراین هنر ریشه‏ های اجتماعی دارد و هنرمند انسانی است که در اجتماع زیست کرده و نتیجتا شخصیت، افکار و احساسات خود را از اجتماع و محیط خویش فرا ‏می‏گیرد. از این‏ رو راه یافتن اخلاق در احساسات هنرمند امر طبیعی ‏می‏باشد و هنرمند نه از آن باب که اجتماع او را مجبور به آفرینش هنر نماید، بلکه از باب نیاز احساسی، ناچار است تا به آن پاسخ درخور توجه، نماید.